

اتحاد علیه بیکاری، یک نیاز طبقاتی

سیروان پرتو نوری

روند روبه افزایش و غیر قابل کنترل نرخ بیکاری در ایران که ابعاد آن بطرز بیسابقه‌ای توده‌ای و میلیونی گشته، به یکی از اصلی ترین معضلات اجتماعی در ایران تبدیل شده است. بازار کار ایران در آینده‌ای نزدیک با ۸ و نیم میلیون متقاضی کار روبه‌رو خواهد شد که با رسیدن تعداد بیکاران ایران به مرز هشت و نیم میلیون نفر، رکورد تعداد بیکاران در یکصد سال گذشته شکسته می‌شود. وزیر اقتصاد و دارایی دولت هشدار داده است که با این ارقام "کشور با سونامی تقاضا برای کار در ۱۰۰ سال گذشته مواجه خواهد شد چرا که در هیچ دوره ای تعداد تقاضا برای شغل در ایران به این میزان نرسیده است".

شواهد و قرائن ناشی از تداوم بحران جهانی سرمایه داری، تعمیق بحران اقتصادی در ایران و تأثیرات تحریم های بین المللی نشان می دهد که شرایط اگر بدتر از این نشود، بهتر نخواهد شد و به همین دلیل جامعه ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی با یک فاجعه اجتماعی بنام بیکاری رو به رو شده است.

بیکاری در ایران یعنی از بین بردن امنیت شغلی و ایجاد تفرقه در میان کارگران، یعنی سوق دادن خانواده های کارگری به زندگی کردن در زیر خط فقر مطلق و تحمیل مرگ تدریجی، معضلی که اختلالات روانی، افسردگی، عدم اعتماد بنفس، احساس بی هویتی و از خود بیگانگی پیامدهای بلافصل آن است. این تراژدی غم انگیز به اینجا تمام نمی شود، متلاشی شدن خانواده های کارگری، رو آوری به اعتیاد و تن فروشی از سر ناچاری و گاهی خودکشی و دیگر آسیب های اجتماعی ادامه منطقی این روند است و قربانیانش را از میان زنان و مردان، جوانان و نوجوانان و کودکان جامعه می‌گیرد.

نباید فراموش کرد که بیش از ۸۰ درصد از کارگران ایران دارای قراردادهای موقت کار و سفید امضاء هستند و یا از طریق شرکت های خدمات نیروی انسانی و پیمانکاری وارد بازار کار می شوند. این بدان معناست که این بخش وسیع از کارگران مشمول دریافت این مقرری ناچیز برای مدت محدود هم نیستند. بنابراین در اولین روز بیکاری، اقتصاد و درآمد خانواده به اعماق فقر سقوط می کند و مصیبت ها یکی بعد از دیگری آغاز می شود.

مبارزه علیه این پدیده شوم و ویرانگر، و یافتن راه حلی برای مقابله با بیکاری به یک نیاز طبقاتی کارگران و در همانحال به یکی از معضلات فعالین جنبش کارگری در جامعه ایران تبدیل شده است. اعتراض و مبارزه علیه بیکاری در حالی صورت می گیرد که دولت حاکم بر ایران، وزارت کار و تعاون و دیگر نهادهای حکومتی نه تنها استراتژی و سیاست اشتغال زایی ندارند، بلکه خود عامل بیکارسازی کارگران و گسترش بی سابقه پدیده بیکاری هستند. با این وصف ما هر روزه شاهد تعطیلی شمار بیشتری از کارخانه ها و مراکز تولیدی بحران زده و اخراج دسته جمعی کارگران به بهانه ورشکستگی هستیم.

در شرایطی که وخیم تر شدن اوضاع اقتصادی و تحریم های اقتصادی و رکود ناشی از آن متکی بر داده ها و فاکتورهای قابل لمس است، و در موقعیتی که تلاش های رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی برای برون رفت از بحران، متکی بر تداوم بیکارسازیهای و زدن از سفره خالی کارگران و اندک بیمه های اجتماعی است؛ بار و مسئولیت مبارزه علیه بیکاری بر دوش خود کارگران و فعالین جنبش کارگری قرار می گیرد.

در این شرایط نه مراجعه فردی به مراکز کارپایی و مراکز استانی وزارت تعاون، نه ایستادن در صف سازمان تامین اجتماعی، نه گوش فرادادن به وعده های پوچ و بی اساس دولت؛ و نه امید بستن به شکوفائی و رشد اقتصادی در آینده ای نامعلوم، بویژه در کشوری که بحران بیکاری همانند تازیانه بر پیکر جامعه کارگری فرود می آید، راه حل نیست و هیچ دردی را درمان نمی کند.

در شرایط کنونی مبارزه علیه بیکاری امر مشترک و فوری کارگران شاغل و بیکار در سراسر ایران است. خواست "کار یا بیمه بیکاری" جزو عاجل ترین مطالبات کارگران ایران است. این خواست اما با یک مبارزه متشکل و سازمان یافته و صد البته تنها با برپائی جنبشی علیه بیکاری منطبق خواهد شد. جنبشی که شرایط و زمینه های عینی برپائی آن آماده است و نیروی بالقوه و حی و حاضر آن نه تنها خیل میلیونی کارگران بیکار بلکه میلیون ها کارگر شاغل و خانواده های کارگری را نیز در بر می‌گیرد که هیولای بیکاری امنیت شغلی را از آنان سلب کرده است. جنبشی که به دلیل تداوم بحران اقتصادی و گسترش بیکارسازی ها، و خواست های مشترک می تواند سریعاً توده گیر و قدرتمند شود و دولت را به چالش بکشد.

برای برپائی این جنبش از پائین و پیشبرد این مبارزه، این نیروی بالقوه را در موقعیتی که جامعه کارگری فاقد تشکل های توده‌ای کارگریست، باید سازماندهی و بهم پیوند داد. وظیفه برپائی و سازماندهی این جنبش بر دوش فعالین و پیشروان جنبش کارگری و بویژه کارگران سوسیالیست قرار می‌گیرد. پیشبرد این مبارزات و ارتقاء آن تا سطح یک جنبش توده ای نیاز به برپائی سازمان و تشکلی دارد که به دخالت مستقیم

و اراده جمعی کارگران متکی باشد. چنین تشکلی می تواند "شورای بیکاران" یا "اتحادیه بیکاران" و یا هر شکل سازمانی مناسبی که خود کارگران در یک محله، منطقه و یا شهرستان تشخیص می دهند، باشد. پیش بسوی اتحاد طبقاتی علیه بیکاری.

به نقل از به پیش، نشریه اتحاد سوسیالیستی کارگری، شماره ۹۰، نهم شهریور ۱۳۹۵، ۳۰ اوت ۲۰۱۶